

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٢٨١١

۸۷/۱۱۰۲۱۸۹

۸۷/۱۱۰۲۵

دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده حقوق

رساله برای دریافت درجه دکتری
رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی

صلاحیت و قابلیت پذیرش دعوی در اساسنامه دیوان
کیفری بین‌المللی و مقایسه آن با دادگاه‌های کیفری
بین‌المللی

استاد راهنما:

دکتر حسین میرمحمد صادقی

اساتید مشاور:

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی - دکتر علی صفاری

دانشجو:

جواد طهماسبی

سال تحصیلی ۱۳۸۷

۱۰۶۸۱۱

کتابخانه
دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۸۷/۱۱/۵



دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ
شماره
پوست

صور تجلسه دفاع از رساله دکتری

تهران ۱۳۶۳/۱۱/۱۹ اوین

تلفن: ۲۹۹۰۱

جلسه ارزیابی رساله کلام / آقای جواد طهماسبی فرزند عزیز
دارای شناسنامه شماره ۱۱۳ صادره از دلفاب متولد ۱۳۴۵
دانشجوی دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی گرایش

با عنوان: صلاحیت و قابلیت پذیرش دعوا در اساسنامه دوران کیفری
بین المللی و مقایسه با اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین المللی

به راهنمایی دکتر حسین میرمحمدصادق و مشاورت آقایان دکتر علی حسینی نجفی ابرنژادبازی و
طبق دعوت قبلی در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۱ تشکیل گردید و براساس رأی هیأت
داوران و باعنایت به ماده ۲۱، ۲۲ و ۲۳ و تبصره‌های مربوطه، مندرج در آیین نامه
دوره دکتری مورخ ۱۳۷۲/۱۲/۸، رساله مزبور با نمره ۱۹

و درجه عالی مورد تصویب قرار گرفت.

هیأت داوران:

امضاء	درجه دانشگاهی	نام و نام خانوادگی	سمت داوری
	استاد	دکتر میرمحمدصادق	۱- استاد راهنما
	استاد	دکتر نجفی ابرنژادبازی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر علی صفاری	۳- استاد مشاور
	استاد	دکتر محمدعلی اردبیلی	۴- داور از دانشگاه
	استادیار	دکتر رجایی طبرستانی	۵- داور از دانشگاه
	استادیار	دکتر سیدعلی آزمایش	۶- داور خارج از دانشگاه
	استادیار	دکتر علی خالقی	۷- داور خارج از دانشگاه
	استادیار	دکتر باقر شاملو	۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

ناظر تحصیلات تکمیلی

تقدیم به پدر و مادرم به پاس تمام خوبیهای

که به من ارزانی داشتند؛

تقدیم به همسرم به قدردانی از محبت

بی دریغ، شکیبایی عمیق و همدلی هماره‌شان

در زندگی؛

تقدیم به فرزندانم امیررضا، نیکتا و

احمدرضا.

سپاسگزاری

اکنون که در سایه لطف حضرت حق و با حمایت و راهنمایی‌های اساتید محترم رساله خود را به سرانجام رساندم، براساس وظیفه اخلاقی و علمی بر خود واجب می‌دانم از راهنمایی‌های بی‌دریغ استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی و اساتید محترم مشاور، جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی و جناب آقای دکتر علی صفاری تقدیر و تشکر نمایم و به خاطر تمام محبت‌های خالصانه و الطاف بی‌دریغ‌شان مراتب قدردانی خود را ابراز دارم. همچنین از اساتید محترم جناب آقای دکتر سید علی آزمایش، جناب آقای دکتر محمدعلی اردبیلی، جناب آقای دکتر رجب علی گلدوست جویباری و جناب آقای دکتر علی خالقی که داوری این رساله را تقبل نموده و در اصلاح نهایی آن با کمال لطف پیشنهادات اصلاحی را ارائه فرمودند، مراتب تشکر و سپاسگزاری خود را اعلام نمایم.

در پایان از کلیه کسانی که به هر نحو جهت تدوین رساله مرایاری نمودند، بخصوص مسئولین و کارکنان محترم مؤسسه‌های مطالعاتی Asser و Iss در شهر لاهه هلند که در تهیه منابع رساله با نهایت لطف و احترام مرا کمک کردند، نهایت قدردانی و تشکر را دارم و از خداوند سبحان برای همگان آرزوی بهروزی و موفقیت می‌کنم.

جواد طهماسبی

چکیده

در مقام مقایسه اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی نورمبرگ و توکیو، که از سوی دول فاتح جنگ جهانی دوم تشکیل شدند و حقوق کیفری بین‌المللی به موجب این اساسنامه‌ها بنا نهاده شد، با اساسنامه دادگاه‌های موردی ایجاد شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در دهه آخر سده گذشته، و مقایسه تمام آن‌ها با اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، به عنوان مرحله تکامل شیوه تعقیب جنایات بین‌المللی، این نتیجه حاصل می‌شود که مقررات اساسنامه دیوان از جنبه‌های زمانی، مکانی، شخصی و موضوعی توسعه یافته و دیوان کیفری بین‌المللی از صلاحیت و اقتدار قابل توجهی برخوردار شده است، به گونه‌ای که این دیوان، نه تنها جنایات ارتكابی در سرزمین دولت‌های عضو اساسنامه یا جنایات ارتكابی توسط اتباع این دولت‌ها را در حیطه صلاحیت خود دارد، بلکه قلمرو آن نسبت به جنایاتی که از ابتدای جولای سال ۲۰۰۲ میلادی، تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه، در هر کجای دنیا ارتكاب یافته و شورای امنیت سازمان ملل متحد رسیدگی به آنها را به دیوان یاد شده ارجاع دهد، نیز تسری می‌یابد. همچنین هرگاه دولت‌های غیرعضو اساسنامه، تعقیب جنایات ارتكابی در سرزمین خود یا توسط اتباع مربوط را که زمان ارتكاب آنها پس از تاریخ مزبور باشد، از دیوان خواستار شوند، دیوان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را نیز دارا می‌باشد. پیش‌بینی اعمال صلاحیت دیوان در دو مورد اخیر موجب می‌شود تمام جنایاتی که از ابتدای جولای سال ۲۰۰۲ میلادی ارتكاب یافته‌اند، به صورت بالقوه در دایره اعمال صلاحیت آن قرار گیرند.

با وجود آنکه از نظر موضوعی، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، محدود به چهار جنایت مهم بین‌المللی یعنی جنایت نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت تجاوز است، در حال حاضر نیز اعمال صلاحیت در مورد جنایت اخیر امکان‌پذیر نمی‌باشد، اما گستردگی مصادیق جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و فقدان شرط آستانه در مورد جنایات جنگی موجب می‌شود مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی از ضمانت اجرای کیفری برخوردار باشند و امکان تعقیب مرتکبان نقض این حقوق، به هنگام عدم تمایل یا فقدان قدرت دولت‌های ملی صلاحیت‌دار، در دیوان یاد شده مهیا شود. در همین راستا نگرانی ناشی از توسعه کمی جنایات مزبور و نیز محدود بودن امکانات نیروی انسانی و مالی دیوان جهت تعقیب این جنایات و همچنین بیم دولت‌ها از مداخله دیوان در امور داخلی آنها با اصل صلاحیت تکمیلی و معیارهای پیش‌بینی شده جهت قابلیت پذیرش دعوا در دیوان پاسخ داده شده است؛ این بدین منظور است که دیوان نه به عنوان جایگزین بلکه در مقام مکمل دادگاه‌های صلاحیت‌دار ملی، به هنگام ناتوانی و یا عدم تمایل این دادگاه‌ها در رسیدگی به مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اقدام به رسیدگی نماید. اما اهمیت تضمین رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، توسعه صلاحیت دیوان را بیش از آنچه هست ضروری می‌نماید. امید است توافق مجمع دولت‌های عضو اساسنامه در کنفرانس بازنگری در خصوص شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به جنایت تجاوز، پذیرش اصل صلاحیت جهانی به عنوان مبنای تعیین صلاحیت دیوان، توسعه صلاحیت موضوعی این دیوان به جنایات مهمی مانند تروریسم و استفاده از سلاح‌های اتمی و همچنین گسترش تعریف جنایت نسل‌زدایی به گروه‌های سیاسی و اجتماعی، موجبات اقتدار بیشتر دیوان را فراهم آورد. /

کلمات کلیدی: صلاحیت، قابلیت پذیرش دعوا، دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی، جنایات بین‌المللی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
	الف) بیان مسأله
۱۳	ب) ضرورت تحقیق و انگیزه انتخاب موضوع.....
۱۴	ج) سؤال‌ها.....
۱۵	د) فرضیه‌ها.....
۱۶	هـ) سابقه و مشکلات تحقیق.....
۱۸	و) روش و ساماندهی تحقیق.....

فصل نخست - زمینه‌های شکل‌گیری صلاحیت کیفری بین‌المللی

۲۴	مبحث نخست - پدیده مجرمانه بین‌المللی و اعمال صلاحیت در مورد آن.....
۲۴	گفتار نخست - پدیده مجرمانه بین‌المللی.....
۲۴	۱. مفهوم جنایت بین‌المللی.....
۲۷	۲. مسئولیت کیفری بین‌المللی.....
۲۸	گفتار دوم - شیوه‌های اعمال صلاحیت در مورد پدیده مجرمانه بین‌المللی.....
۲۸	۱. اصل صلاحیت جهانی.....
۳۳	۲. صلاحیت بین‌المللی.....
۳۹	مبحث دوم - صلاحیت کیفری بین‌المللی موردی.....
۳۹	گفتار نخست - صلاحیت کیفری فاتحان در جنگ یا صلاحیت کیفری بین‌المللی.....
۳۹	۱. دادگاه کیفری بین‌المللی نورمبرگ.....
۴۵	۲. دادگاه کیفری بین‌المللی توکیو.....

- گفتار دوم - مشروعیت تشکیل دادگاه بین‌المللی توسط سازمان ملل متحد ۴۸
- مبحث سوم - صلاحیت کیفری بین‌المللی دائمی ۵۷
- گفتار نخست - ایجاد صلاحیت کیفری بین‌المللی دائم در سایه نیم قرن تلاش ۵۹
۱. اقدامات پیش از کنفرانس رم ۵۹
۲. جدال صلاحیت در کنفرانس رم ۶۴
- گفتار دوم - افق‌های صلاحیت در دیوان کیفری بین‌المللی ۶۸
- مبحث چهارم - قلمرو زمانی اعمال صلاحیت محاکم کیفری بین‌المللی ۷۴
- گفتار نخست - تحلیل صلاحیت زمانی در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی ۷۴
۱. صلاحیت زمانی دادگاه‌های موردی ۷۵
- ۱.۱. صلاحیت زمانی در پرتو جنایات واقع شده ۷۵
- ۱.۲. صلاحیت زمانی معین ۷۶
۲. صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی ۷۹
- گفتار دوم - ملاحظات عملی اعمال صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین‌المللی ۸۲
۱. جرایم مستمر و مرکب ۸۳
۲. مقررات انتقالی ۸۵
۳. صلاحیت موردی دیوان ۸۹
۴. کناره‌گیری ۹۱

فصل دوم - اصول حاکم بر صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

- مبحث نخست - تعیین مبنای صلاحیت دیوان مهمترین مسأله کنفرانس رم ۹۵
- گفتار نخست - اصل صلاحیت جهانی و دیوان کیفری بین‌المللی ۹۶
۱. صلاحیت جهانی مناسب‌ترین مبنا برای دیوان کیفری بین‌المللی ۹۶
۲. قلمرو شمول اصل صلاحیت جهانی در مورد جنایات در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ۱۰۰
- گفتار دوم - ارتباط دیوان کیفری بین‌المللی با حاکمیت دولت‌ها ۱۰۴

۱. صلاحیت یک درجه‌ای ۱۰۵
۲. صلاحیت جهانی یا محدود ۱۰۶
- ۲.۱. نظر موافقان ۱۰۶
- ۲.۲. نظر مخالفان ۱۰۸
- ۲.۳. تصمیم نهایی ۱۰۹
- مبحث دوم - اثر اختیار شورای امنیت در توسعه و تعلیق اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی ۱۱۱
- گفتار نخست - حق ارجاع شورای امنیت ۱۱۲
۱. منشور ملل متحد مبنای حق ارجاع ۱۱۳
۲. ارجاع تنها در چارچوب منشور ملل متحد ۱۱۸
۳. صلاحیت جهانی دیوان در حالت ارجاع شورای امنیت ۱۲۰
۴. نظری بر تنها ارجاع شورای امنیت ۱۲۳
- گفتار دوم - حق تعلیق تحقیق یا تعقیب شورای امنیت ۱۲۵
۱. مبنای حق درخواست تعلیق ۱۲۷
۲. شرایط درخواست تعلیق با تکیه بر قطعنامه ۱۴۲۲ ۱۲۸
۳. پیامدهای تعلیق ۱۳۱
- مبحث سوم - صلاحیت سرزمینی ۱۳۲
- گفتار نخست - جایگاه صلاحیت سرزمینی در اجرای عدالت کیفری بین‌المللی ۱۳۷
۱. صلاحیت سرزمینی در اولین تجربه اجرای عدالت کیفری بین‌المللی ۱۳۷
۲. صلاحیت سرزمینی مبنای اعمال صلاحیت دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۳۸
۳. صلاحیت سرزمینی مبنای مهم اما غیرمنحصر تعیین صلاحیت در دیوان کیفری بین‌المللی ۱۴۰
- گفتار دوم - ملاحظات عملی اعمال صلاحیت سرزمینی در دیوان کیفری بین‌المللی ۱۴۲
۱. وقوع جنایت در قلمرو چند دولت ۱۴۲
۲. وقوع جنایت در مناطق آزاد ۱۴۵
۳. مقررات انتقالی و اصلاحی ۱۴۷
- مبحث چهارم - صلاحیت شخصی ۱۴۹

گفتار نخست - صلاحیت شخصی گزینه‌ای مطرح در اکثر محاکم کیفری بین‌المللی.....	۱۵۲
۱. دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو.....	۱۵۲
۲. دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا.....	۱۵۶
۳. دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۵۸
گفتار دوم - قلمرو اعمال صلاحیت دیوان در مورد اشخاص.....	۱۵۹
۱. اشخاص حقوقی.....	۱۵۹
۲. اطفال.....	۱۶۲
۳. دارندگان مصونیت.....	۱۶۷

فصل سوم - قلمرو موضوعی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی

مبحث نخست - جنایات جنگی.....	۱۷۴
گفتار نخست - جنایات جنگی: از ظهور تا اعمال صلاحیت بین‌المللی.....	۱۷۷
۱. جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو.....	۱۷۹
۲. جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا.....	۱۸۰
۳. جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۸۱
۳.۱. نقض‌های فاحش قراردادهای ژنو.....	۱۸۱
۳.۲. نقض‌های فاحش قوانین و عرفهای مسلم حقوق بین‌الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین‌المللی.....	۱۸۲
۳.۳. نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک قراردادهای ژنو در مخاصمات مسلحانه داخلی.....	۱۸۵
۳.۴. دیگر نقض‌های فاحش قوانین و عرفهای قابل اجرا در منازعات مسلحانه داخلی.....	۱۸۵
گفتار دوم - شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در مورد جنایات جنگی.....	۱۹۰
۱. فاحش بودن نقض قواعد جنگ.....	۱۹۱
۲. مسلحانه بودن منازعه.....	۱۹۴
۳. تحت حمایت بودن افراد و اموال.....	۱۹۸
۴. رعایت شرط آستانه صلاحیت.....	۲۰۲
مبحث دوم - جنایات علیه بشریت.....	۲۰۵

۲۰۶	گفتار نخست - استقلال جنایات علیه بشریت از جنایات جنگی
۲۱۰	گفتار دوم - شرایط اعمال صلاحیت دیوان در مورد جنایات علیه بشریت
۲۱۰	۱. ارتباط با منازعه مسلحانه
۲۱۳	۲. نظام یافته یا گسترده بودن حمله
۲۱۷	۳. غیرنظامی بودن قربانیان
۲۱۹	مبحث سوم - جنایت نسل زدایی
۲۲۱	گفتار نخست - عنصر مادی
۲۲۱	۱. شرایط کلی
۲۲۳	۲. شیوه‌های ارتکاب
۲۲۶	گفتار دوم - عنصر روانی
۲۲۷	۱. قصد نابودی کل یا بخشی از گروه
۲۲۹	۲. ویژگی خاص گروه
۲۳۰	مبحث چهارم - جنایت تجاوز
۲۳۰	گفتار نخست - تجاوز از مشروعیت تا جنایت
۲۳۰	۱. نگاه سستی به تجاوز
۲۳۲	۲. تلاش‌ها و ناکامی‌ها در تعقیب مرتکبین جنایت تجاوز
۲۳۷	گفتار دوم - صلاحیت دیوان در مورد جنایت تجاوز
۲۳۷	۱. بحث‌های کنفرانس دیپلماتیک رم
۲۳۹	۲. صلاحیت خفته دیوان و جنایت تجاوز
۲۴۰	۳. چشم‌انداز آینده صلاحیت دیوان و جنایت تجاوز

فصل چهارم - قابلیت پذیرش دعوا در دیوان کیفری بین‌المللی

۲۴۵	مبحث نخست - ارتباط دادگاه‌های بین‌المللی و ملی در امور کیفری
۲۴۷	گفتار نخست - ارتباط دادگاه‌های بین‌المللی با دادگاه‌های ملی در نخستین اقدام‌ها

۱. معاهده صلح ورسای ۲۴۷
۲. اساسنامه دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو ۲۵۰
۳. کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌زدایی ۲۵۲
- گفتار دوم - ارتباط دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا با دادگاه‌های ملی ۲۵۳
- مبحث دوم - صلاحیت تکمیلی مبنای قابلیت پذیرش دعوا در دیوان کیفری بین‌المللی ۲۵۵
- گفتار نخست - رویکرد نهادهای بین‌المللی تهیه‌کننده اساسنامه در خصوص صلاحیت تکمیلی ۲۵۶
۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۵۶
۲. کمیته مقدماتی ۲۵۷
۳. کنفرانس رم ۲۵۹
- گفتار دوم - صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی و حاکمیت ملی ۲۶۴
۱. مفهوم صلاحیت تکمیلی ۲۶۴
۲. هدف صلاحیت تکمیلی ۲۶۶
۳. صلاحیت تکمیلی له یا علیه حاکمیت ملی ۲۶۸
- مبحث سوم - شرایط قابلیت پذیرش دعوا ۲۷۰
- گفتار نخست - موارد عدم قابلیت پذیرش دعوا ۲۷۰
۱. عدم قابلیت پذیرش دعوا و اقدام دولت‌های صلاحیت‌دار ملی ۲۷۳
- ۱.۱. شروع تحقیق یا تعقیب از سوی دولت صلاحیت‌دار ملی ۲۷۳
- ۱.۲. اتخاذ تصمیم در مورد عدم پیگرد متهم توسط دولت صلاحیت‌دار ملی ۲۷۴
۲. اهمیت نداشتن دعوا ۲۷۶
۳. اعمال مقررات قابلیت پذیرش در حالت ارجاع شورای امنیت ۲۷۷
- گفتار دوم - قابلیت پذیرش دعوا به علت عدم تمایل یا عدم توان دولت صلاحیت‌دار ملی ۲۸۰
۱. عدم تمایل دولت صلاحیت‌دار ملی ۲۸۱
۲. عدم توان دولت صلاحیت‌دار ملی ۲۸۶
- مبحث چهارم - قابلیت پذیرش دعوا و منع محاکمه مجدد ۲۸۸
- گفتار نخست - منع محاکمه مجدد به اعتبار رأی دیوان ۲۹۴

- ۲۹۴ ۱. اعتبار رأی دیوان نزد خود
- ۲۹۵ ۲. اعتبار رأی دیوان نزد محاکم ملی
- ۲۹۷ گفتار دوم - منع محاکمه مجدد به اعتبار رأی محاکم ملی
- ۳۰۳ نتیجه گیری و پیشنهادات
- ۳۱۸ منابع

مقدمه

همه ملت‌ها با پیوندی مشترک با یکدیگر متحدند و فرهنگ‌های آنان میراث مشترک را تشکیل می‌دهد، نگران از اینکه این ترکیب ظریف هر لحظه ممکن است از هم بگسلد. طی این قرن میلیون‌ها کودک، زن و مرد قربانی فجایع و ددمنشیهای غیرقابل تصویری شده‌اند که وجدان بشریت از آن به شدت یکه خورده است. تأکید بر اینکه، شدیدترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی می‌شود، نباید بدون مجازات بمانند بلکه لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و نیز تقویت همکاری بین‌المللی تضمین گردد.

«فرازی از دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»

الف) بیان مسأله

وقوع جرایم در صحنه بین‌المللی حادثه نوپایی به شمار نمی‌رود، واکنش‌هایی که در هر برهه از زمان نسبت به این پدیده برانگیخته شده، متفاوت است. انسان در هر زمانی به اقتضاء توان و متناسب با شرایط زمانی و مکانی نسبت به جنایات بین‌المللی واکنش نشان داده است. امروزه توسعه روابط، سرعت در تبادل اطلاعات و پیشرفت تکنولوژی در تمام زمینه‌های زندگی که خود توسعه ارتباطات و مراودات را در پی دارد، در سطح جهان گسترش یافته و تأثیر آن بر گسترش جرایم نیز پوشیده نیست. عصر ما از این جهت دارای خصوصیت ویژه‌ای است، چه اینکه جرایم برخلاف گذشته که تعرض به حقوق افراد محسوب می‌شد، امروزه دامنه اثر آن‌ها مرزهای جغرافیایی را نیز درنور دیده و اسباب فجایعی را فراهم نموده که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی شده و وجدان بشریت از شدت آنها متأثر شده است. این ویژگی‌ها سبب گردیده که امروزه دولت‌ها با بین‌المللی شدن پدیده مجرمانه روبرو شوند.

از دیرباز دولت‌ها با توسعه صلاحیت کیفری خود از طریق تمسک به اصل صلاحیت جهانی سعی در تعقیب جنایتکاران بین‌المللی کرده‌اند. از سوی دیگر جامعه بین‌المللی به موجب معاهدات بین‌المللی، با توسعه دامنه جرایم مشمول این اصل سعی در ایجاد سازوکارهای حقوقی لازم برای جلوگیری از بی‌کیفری این جنایتکاران کرده است. علاوه بر این، دولت‌ها هنگام مواجهه

با خطرات ناشی از جرایم دارای اثر فراملی، ملاک و معیارهای مختلفی را برای تعیین ماهیت صلاحیت دادگاه‌های خود برانگیخته‌اند تا با اتکاء بر آنها صلاحیت دادگاه‌های ملی را به جرایم فراملی توسعه داده و موجبات تعقیب مرتکبان آنان را فراهم نمایند. بدیهی است، این معیارها شاخص‌هایی را دربرمی‌گیرد که به نحوی جرم واقع شده را به کشور رسیدگی‌کننده مرتبط می‌سازد. مجموعه این سازوکارها تابعی از حقوق داخلی کشورها محسوب می‌شود.

به مرور زمان و افزوده شدن بر دامنه و شدت جنایات بین‌المللی و بی‌رغبتی دولت‌ها در تکیه بر اصل صلاحیت جهانی برای تعقیب مجرمین بین‌المللی، به‌ویژه هنگامی که این جنایات فاقد ارتباط مستقیم با منافع آن دولت باشد، معلوم شد که همواره از بی‌کیفری جنایتکاران بین‌المللی پیشگیری نشده است. از این رو، رفته رفته رشته‌ای از حقوق به نام حقوق کیفری بین‌المللی^۱ یا حقوق جرایم بین‌المللی شکل گرفت؛ تا آنجا که، صلاحیت تعیین شده در این شاخه از حقوق نه

۱ - برخی از حقوقدانان به اقتباس از حقوق فرانسه «حقوق بین‌المللی کیفری» و «حقوق کیفری بین‌المللی» را دارای دو مفهوم مجزا می‌دانند. اینان معتقدند حقوق کیفری بین‌المللی شاخه‌ای از حقوق داخلی محسوب می‌شود و کاربرد آن زمانی است که جرم دارای یک عنصر فراملی باشد، مثل اینکه جرم علیه منافع اساسی دولت در خارج از کشور واقع شود، جرم توسط اتباع کشور در کشوری دیگر ارتکاب یابد و یا بخشی از جرم در یک دولت و بخشی در سرزمین دیگری واقع شود. به موجب قوانین ایران در تمام این حالت‌ها جرم در ایران و بر اساس قوانین داخلی رسیدگی می‌شود، به همین دلیل گفته شده است که حقوق کیفری بین‌المللی شاخه‌ای از حقوق داخلی است. به اعتقاد این حقوقدانان، حقوق بین‌الملل کیفری واجد ویژگی بین‌المللی است و از توافق بین دولت‌ها ناشی می‌شود، بر همین اساس حقوق بین‌الملل کیفری را به عنوان رشته‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی تلقی می‌کنند در حالی که حقوق کیفری بین‌المللی به شرح فوق، شاخه‌ای از حقوق داخلی است.

به اعتقاد برخی دیگر از حقوقدانان، حقوق بین‌الملل کیفری دارای دو وجهه مختلف است که هر دو مفهوم فوق را دربرمی‌گیرد. وجهه نخست زمانی است که جرم دارای یک عنصر فراملی است اما در دادگاه‌های داخلی و به موجب مقررات داخلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. وجهه دوم حالتی است که توافق دولت‌ها به تشکیل مرجع بین‌المللی برای تعقیب مرتکبان جرایم خاصی شکل می‌گیرد. در این حالت یک دادگاه بین‌المللی مستقل از دولت‌های تشکیل‌دهنده آن صلاحیت رسیدگی دارد. حقوقدانان انگلیسی در این زمینه فقط اصطلاح International Criminal Law را بکار می‌برند که به حقوق کیفری بین‌المللی ترجمه شده و هر دو وضعیت مزبور را شامل می‌شود. به این مفهوم باید گفت «حقوق کیفری بین‌المللی» دارای دو مفهوم مضیق و موسع است. این اصطلاح در مفهوم مضیق، تنها جنبه‌های کیفری حقوق بین‌الملل عمومی را شامل می‌شود و در مفهوم موسع علاوه بر جنبه‌های کیفری حقوق بین‌الملل، جنبه‌های بین‌المللی حقوق کیفری داخلی را نیز دربرمی‌گیرد. در این رساله واژه حقوق کیفری بین‌المللی در معنای خاص یا مضیق فوق مورد توجه است و تنها جنبه‌های کیفری حقوق بین‌الملل یا حقوق جرایم بین‌المللی مورد نظر است.

به عنوان جلوه‌ای از حاکمیت مستقیم دولت‌ها بلکه دارای اقتداری جدای از آن است. هرچند مبنای ایجاد این اقتدار نیز اراده دولت‌هاست، اما این بار نه اراده ناشی از حاکمیت مستقل، بلکه قدرتی است ناشی از ارادهٔ جمعی دولت‌ها که در شکل‌گیری این منشاء قدرت دخالت داشته‌اند.

در این نگرش جدید از اعمال صلاحیت کیفری، ممکن است جرم هیچ ارتباطی به مفهوم کلاسیک آن با کشورهای ایجادکننده مرجع دارای صلاحیت کیفری نداشته باشد. در این حالت جهت اعمال صلاحیت کیفری بین‌المللی، اثر جرم به جای دولت اعمال‌کننده صلاحیت، متوجه کل جامعه بشری است. به دیگر سخن دادگاه‌های کیفری بین‌المللی بر فجیع‌ترین جنایات مورد نگرانی جامعه جهانی صلاحیت دارند که مرتکبان آنان دشمن کل بشریت محسوب می‌شوند.

پس از فجایع خونین و ویرانی‌های گسترده جنگ جهانی اول و دوم، آشکار شد که سازوکارهای حقوقی که تا آن زمان حقوق بین‌الملل برای مجازات مجرمان بین‌المللی متکی به آن بود، یعنی محاکم کیفری داخلی، کارایی نداشته و توسل به شیوه‌های نوین را برای تعقیب این مجرمان ضروری می‌نمود.

اجرای عدالت کیفری بین‌المللی گرچه در قرن بیستم مطرح و نخستین گام‌ها نیز در این زمان برداشته شده است، اما عقیده آن ریشه در تاریخ بشریت دارد^۱ و جزء آرزوهای دیرینه او است. چه اینکه فجیع‌ترین جنایات در طول تاریخ توسط حاکمان و صاحب‌منصبانی صورت گرفته که موانع حقوقی مانند اصل عدم مداخله، درون‌مرزی بودن حقوق جزا و مصونیت سیاسی سران دولت‌ها، راه اجرای عدالت کیفری را در مورد این جنایتکاران بسته است. سنگ بنای اجرای عدالت کیفری بین‌المللی در دادگاه‌های بین‌المللی نورمبرگ و توکیو نهاده شد. تداوم اصول پذیرفته شده در این دادگاه‌ها با ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا در دهه ۹۰ میلادی تبلور یافت. سرانجام در پایان قرن بیستم با تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان حلقه

1-Werle; Gerhard; *Principle of International Criminal Law*, Netherland, T.M.Co, Asser Press, 2005, p.2.

تکمیل‌کننده اقدامات مقطعی سابق، شکوفا شد. سیر این تحول، در نظام حقوق بین‌المللی به علت وجه غالب روابط مبتنی بر سلطه در نظام بین‌المللی و پایبندی به اصل حاکمیت^۱ و فروعیات آن، از جمله اصل درون‌مرزی بودن حقوق کیفری و اصل برابری دولت‌ها^۲ به کندی صورت گرفته است.

با وجود موانع یاد شده در شکل‌گیری نظام حقوق بین‌الملل مبتنی بر عدالت، وقوع ددمنشی‌ها در طول جنگ‌های جهانی اول و دوم سبب توجه خاص به حقوق بنیادین انسان شد. بر این اساس عزمی جدی جهت تحقق صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو موازین قانونی صورت گرفت. تشکیل سازمان ملل متحد، صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، تصویب کنوانسیون‌هایی مانند منع و مجازات نسل‌زدایی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹؛ به عنوان تکمیل‌کنندگان قواعد و حقوق جنگ، جملگی حکایت از عزم جدی برای شکل‌گیری نظام حقوق بین‌الملل داشت. به رسمیت شناخته شدن جنایات بین‌المللی مانند نسل‌زدایی و جنایات جنگی به موجب کنوانسیون‌های یاد شده و پذیرش اصول دادگاه نورمبرگ از جمله اقدامات انجام شده در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی است.

۱ - در نظریه ژان بُدن (Bodin) فرانسوی که واژه حاکمیت (sovereignty) را در سده شانزدهم میلادی وارد علوم سیاسی کرد، حاکمیت همانا «قدرت مطلق و لایزال» است و نیز پادشاه «قاهر مطلق» است، یعنی کسی که قدرت فائقه دارد. از این رو این نظریه برای اثبات مفهوم حاکمیت به معنای «اقتدار مطلق» به کار می‌آید و به آن استناد می‌شود. (دلبروک، جوست، «حمایت بین‌المللی از حقوق بشر و حاکمیت دولتها»، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۷۳). در قرن هفدهم هابس (Hobbs) که از طرفداران افراطی نظریه حاکمیت بود، در مورد اینکه حاکمیت نباید محدود باشد از بُدن هم جلوتر رفت. او بر این باور بود که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند زمامدار را محدود سازد، زیرا زمامدار قدرت کامل و مطلق دارد، همه اقدامات حکومت در دست او است و هیچ کس را بر او حق اعتراض نیست. (رضایی‌نژاد، ایرج؛ «حقوق بشر و حاکمیت دولت‌ها - نگرشی تحلیلی بر پایه اسناد بین‌المللی»، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال نوزدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۸۳، ص ۵۰)

۲ - نخستین کسی که اصل برابری دولت‌ها را به روشنی بیان کرد، امریک دوواتل (E 'devattle) (۱۷۶۹-۱۷۱۴) بود. وی عقیده داشت که چون افراد در وضع طبیعی آزاد و مستقل می‌زیسته‌اند، لذا با یکدیگر برابر بوده‌اند و چون دولت‌ها هم از افراد ترکیب یافته‌اند باید مستقل و برابر باشند. (ذوالعین، پرویز، مبانی حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات امور خارجه، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲).

نباید فراموش کرد، حلقه مفقوده این شاخه از علم حقوق، تشکیل یک مرجع دارای صلاحیت کیفری بین‌المللی برای تعقیب جنایات یاد شده بود تا اینکه، تضمین حقوق به رسمیت شناخته شده بشر و بشردوستانه بین‌المللی باشد. فقدان این سازوکار حقوقی بی‌تأثیر در گسترش موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در طی قرن بیستم نمی‌باشد؛ زیرا این قرن در حالی به پایان رسید که ۱۶۰ میلیون نفر قربانی جنایات ناشی از جنگ‌های آن بود.^۱ ضرورت ایجاد این سازوکار نظام حقوق بین‌المللی برای مبارزه با جنایات مهم بین‌المللی، پنجاه سال پس از گذشت پذیرش اصول دادگاه نورمبرگ، زمانی مجدداً مطرح شد که موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سطح وسیع رخ داد. در دهه ۹۰ میلادی نقض گسترده حقوق یاد شده در سرزمین یوگسلاوی سابق و رواندا سبب گردید شورای امنیت سازمان ملل متحد، تشکیل دادگاه‌های دارای صلاحیت کیفری بین‌المللی را برای تعقیب این جنایتکاران مطرح کند. تشکیل این دادگاه‌ها گام مؤثری در احیای اصول نورمبرگ و توسعه حقوق کیفری بین‌المللی به حساب می‌آید. یادآوری این نکته ضروری است که دادگاه‌های مورد بحث اقداماتی موردی بوده و از نظر مکانی نیز دارای صلاحیت محدود هستند؛ زیرا برای رسیدگی به جنایات مشخصی که در زمان معین ارتکاب یافته تشکیل شده‌اند. با توجه به این ویژگی باید توجه داشت که جامعه جهانی هم‌چنان نیازمند تشکیل یک دادگاه کیفری دایمی بود. ضرورت این نیاز همراه با توسعه روزافزون جنایات بین‌المللی سبب گردید که پس از افول جنگ سرد به عنوان مهم‌ترین مانع تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی، اندیشه دیرین ایجاد این مرجع جامعه عمل به خود بپوشد. نخستین اقدام عملی برای شکل‌گیری این دادگاه هم‌زمان با تشکیل سازمان ملل متحد صورت گرفت؛^۲ ولی با توجه به

۱ - رابرتسون، جفری؛ جنایات علیه بشریت، ترجمه گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر نظر دکتر حسین میرمحمد صادقی، چاپ نخست، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۳.

۲ - پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل متحد، مجمع عمومی این سازمان در دومین نشست خود به موجب قطعنامه ۱۷۷(۲) (U.N.DOC. A/51.21 November 1947.) از کمیسیون حقوق بین‌الملل خواست تا اصول حقوق بین‌الملل پذیرفته شده در اساسنامه و احکام دادگاه نورمبرگ را تنظیم کند.

عدم استقبال دولت‌ها و شرایط سیاسی ناشی از جنگ سرد تا اواخر قرن بیستم، اقدام جدی در این مورد صورت نگرفت. در سال ۱۹۸۹ یک بار دیگر تشکیل این مرجع کیفری بین‌المللی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد و سرانجام در تاریخ ۱۷ جولای سال ۱۹۹۸ میلادی اساسنامه این دادگاه در شهر رم با ۱۲۰ رأی موافق از مجموعه ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس رم مورد تأیید دولت‌های شرکت‌کننده در این کنفرانس قرار گرفت و امروزه ما شاهد لازم‌الاجرا شدن اساسنامه مزبور و تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی دائمی می‌باشیم.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مشتمل بر دیباچه، ۱۳ فصل و ۱۲۸ ماده است. فصول سیزده‌گانه اساسنامه به ترتیب مشتمل بر موضوعات زیر است: تأسیس دیوان، صلاحیت، قابلیت پذیرش و حقوق قابل اجرا، اصول عمومی حقوق کیفری، تشکیلات و اداره دیوان، تحقیق و تعقیب، محاکمه، مجازات‌ها، تجدیدنظر و اعاده دادرسی، همکاری بین‌المللی و معاضدت قضایی، اجرا، مجمع دولت‌های عضو، بودجه و شروط نهایی... در این میان مسأله صلاحیت و قابلیت پذیرش دعوا، بلحاظ تقابل مقررات آن با حاکمیت دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نحویکه در کنفرانس رم بحث‌های پیرامون صلاحیت دیوان^۱ بسیار با اهمیت و محوری تلقی می‌شد. با توجه به اینکه در این رساله جنبه‌های مختلف صلاحیت دیوان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، قبل از طرح این جنبه‌ها، نگاهی اجمالی به مفهوم صلاحیت کیفری ضروری است تا پس از آن به طرح بحث پیرامون جنبه‌های مزبور پردازیم.

صلاحیت در لغت به معنی شایسته بودن، در خور بودن، سزاواری و اهلیت است.^۲ در اصطلاح به توانایی یا اختیار حقوقی برای استماع و اتخاذ تصمیم در مورد پرونده‌ها، قدرت اجرای قانون و عدالت، اختیار یا حق اعمال حاکمیت، گستره قلمرو حاکمیت و محکمه قانونی یا نظام محاکم

۱- جهت رعایت اختصار، از این پس در بعضی موارد به جای عنوان کامل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی از واژه اساسنامه و به جای دیوان کیفری بین‌المللی از واژه دیوان استفاده می‌شود.

۲- عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۱، ص ۸۲۶.

قانونی گفته شده است.^۱ در یک برداشت موسع صلاحیت، قدرت و توانایی قانونی یک ارگان یا مقام دولتی برای انجام فعالیت‌های قانونی تعریف شده است.^۲ از نظر حقوقی صلاحیت عبارت است از استعداد یک دادگاه برای رسیدگی به یک دادرسی مشخص.^۳ بنابراین وقتی دادگاه اجازه رسیدگی به موضوعات مشخصی را دارد گفته می‌شود که در این مورد دارای صلاحیت است. در امور کیفری نیز صلاحیت به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری تعبیر می‌شود.^۴ نویسنده در این تعریف بین دعوی کیفری داخلی و بین‌المللی تفکیکی قایل نشده است. یکی دیگر از حقوقدانان صلاحیت کیفری را این گونه تعریف کرده است: شایستگی و قابلیت اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی که در داخل یا خارج از کشور ارتکاب می‌یابد.^۵ این تعریف نیز تنها ناظر به صلاحیت کیفری دادگاه‌های داخلی است و صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی را شامل نمی‌شود. اگر بخواهیم صلاحیت کیفری را به مفهوم وسیعتر تعریف نمایم به گونه‌ای که صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی را نیز دربرگیرد، باید گفت صلاحیت کیفری عبارت است از توان و شایستگی دادگاه‌های ملی یا بین‌المللی در رسیدگی به جرایم خاص که حسب مورد به موجب مقررات مربوط تعیین می‌شود.

صلاحیت در امور بین‌المللی ماهیتاً با مفهومی که از صلاحیت در امور داخلی مورد توجه است، متفاوت می‌باشد؛ چه اینکه در امور بین‌المللی صلاحیت از سوی جمعی از دولت‌ها اعمال می‌شود که امکان تعارض آن با صلاحیت و حاکمیت دولت‌های معین مطرح است. بنابراین

3- Webster's New Twentieth Century Dictionary, Seconded, Simon and Schuster, 1990, p.993.

۲ - مولایی، یوسف؛ «وابستگی متقابل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در مسأله صلاحیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۱۷.

۳ - بولوک، برنارد و دیگران؛ *آیین دادرسی (موضوع و نهادهای دادرسی کیفری)*، ترجمه دکتر حسن دادبان، چاپ نخست، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، جلد نخست، ص ۵۸۱.

۴ - آشوری، محمد؛ *آیین دادرسی کیفری*، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، جلد دوم، ص ۳۹.

۵ - پوریافرانی، حسن؛ «ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۶۳.